

Research Paper

Modern Diplomacy; Case Study of Iran



•Vahid Ranjbar Heydari¹

1. PhD in International Relations, Faculty of Literature and Humanities Sciences, University of Guilan, Rasht, Iran.

Use your device to scan
and read the article online



Citation: Ranjbar Heydari, V. (2021). [Modern Diplomacy; Case Study of Iran (Persian)]. *Journal Strategic Studies of Public Policy*, 11(40), 324-341.



Received: 30 Jun 2021

Accepted: 01 Aug 2021

Available Online: 01 Nov 2021

Key words:

System, Modern, Diplomacy, Iran

ABSTRACT

With the evolution of the international system, traditional diplomacy will not be able to solve emerging problems. Therefore, there is a need for new diplomacy based on new principles and logic. Assuming the intertwining of the field of foreign policy and the environment of diplomacy, this study tries to answer the question: what are the principles and foundations of diplomacy in the current situation? Also, what will be the Iranian diplomacy in the new situation? In response to this question, it is hypothesized that with the change in the environment of diplomacy, the rules of diplomacy are out of the traditional mode and new principles and rules have governed diplomacy, and accordingly, new diplomacy has replaced traditional diplomacy with its own principles and rules. Thus modern diplomacy imposes its requirements on international actors including; Iran imposes. Ignoring such rules leads to the failure of diplomacy and the loss of power and opportunities to achieve goals through diplomatic means.

* Corresponding Author:

Vahid Ranjbar Heydari, PhD.

Address: Faculty of Literature and Humanities Sciences, University of Guilan, Rasht, Iran.

E-mail: heydari4000@gmail.com

مقاله پژوهشی دیپلماسی نوین؛ مطالعه موردی ایران

* وحید رنجبر حیدری^۱

۱. دانش‌آموخته مقطع دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

چکیده

با تحول در نظام بین‌الملل، دیپلماسی سنتی قادر به حل مسائل نوظهور نیست؛ بنابراین به دیپلماسی نوینی نیاز است که مبتنی بر اصول و منطق نوین باشد. این پژوهش با مفروض درهم تنیده شدن حوزه سیاست خارجی و محیط دیپلماسی سعی در پاسخ به این پرسش دارد که اصول و مبانی دیپلماسی در وضعیت نوین حاکم بر آن بر چه مبنایی است؟ همچنین دیپلماسی ایران در شرایط جدید چگونه خواهد بود؟ در پاسخ به این پرسش این فرضیه مطرح می‌شود که با تحول در محیط دیپلماسی، قواعد دیپلماسی نیز از حالت سنتی خارج و اصول و قواعد جدیدی بر دیپلماسی حاکم شده است و بر همین اساس دیپلماسی نوین با اصول و قواعد خاص خود جایگزین دیپلماسی سنتی شده است؛ بنابراین دیپلماسی نوین الزامات خود را بر بازیگران بین‌الملل، از جمله ایران تحمیل می‌کند، به گونه‌ای که نادیده گرفتن چنین قواعدی منجر به شکست دیپلماسی و از دست رفتن توان و فرصت‌های دست‌یابی به اهداف با ابزار دیپلماتیک می‌شود.

تاریخ دریافت: ۰۹ تیر ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۱۰ مرداد ۱۴۰۰

تاریخ انتشار: ۱۰ آبان ۱۴۰۰

کلیدواژه‌ها:

نظام، نوین،
دیپلماسی، ایران

* نویسنده مسئول:

دکتر وحید رنجبر حیدری

نشانی: رشت، دانشگاه گیلان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

پست الکترونیکی: heydari4000@gmail.com

مقدمه

تحلیل می‌کند؟ در پاسخ به این پرسش، این فرضیه مطرح است که با پیچیده شدن دیپلماسی، قواعد حاکم بر دیپلماسی تغییر کرده و ابزارهای دست‌یابی به اهداف نیز با توجه به تغییر در ماهیت قدرت از حالت سخت‌افزاری گذشته به نرم‌افزاری تغییر جهت داده است و قدرت نرم تأثیرگذاری فزاینده‌ای بر محیط دیپلماسی بازیگران اشد.

در مورد ایران باید اضافه شود که محیط دیپلماسی فعلی منجر به وسعت فضای اقدامات دیپلماتیک و درعین حال چالش‌هایی نیز به آن افزوده شده است که به مدیریت صحیح پدیده‌ها در این حوزه نیاز دارد.

۱. ادبیات موضوع

دیپلماسی، از جمله اصطلاحاتی است که مفاهیم بسیاری به خود می‌گیرد. دیپلماسی اغلب به عنوان سیاست خارجی یا روش اداره روابط خارجی ادراک می‌شود. در یک تعریف جامع و کلی دیپلماسی را می‌توان روش تعامل بین بازیگران (دولتی و غیردولتی) تعریف کرد (Feilleux, 2017: 4).

به عبارتی در صحنه بین‌المللی، دیپلماسی به دست‌یابی به خواسته‌های ملی با روش‌های صلح‌آمیز و استفاده از تکنیک‌های متقاعد کردن و مذاکره اشاره دارد. به علاوه، کاربرد آن شامل بعضی تمایزات است.

اول: در سطح دولتی، دیپلماسی مترادف با سیاست خارجی همانند دیپلماسی روسی، آلمانی و ژاپنی است. در این سطح، کاربرد واژه دیپلماسی اشاره به ابزاری برای دست‌یابی به اهداف سیاست خارجی دارد.

دوم: در سطح سیستمی، دیپلماسی اشاره

با تحول در نظام بین‌الملل بسیاری از پدیده‌های بین‌الملل تحت تأثیر فرایند جهانی شدن قرار گرفتند. نهاد دیپلماسی نیز یک پدیده‌ای بود که به شدت از این فرایند متأثر شد. جهانی شدن دو تأثیر عمده بر پدیده دیپلماسی داشت. اولاً: با تکثر بازیگران و تنوع در موضوعات، سازمان دیپلماسی گسترش یافت.

در گذشته بازیگران فقط دولت‌ها بودند و موضوعات نیز نظامی امنیتی بودند، اما در دیپلماسی نوین بازیگران درگیر در دیپلماسی شامل دولت‌ها، گروه‌های غیردولتی و نهادهای چندجانبه، به‌ویژه نهادهای وابسته به سازمان ملل متحد، مانند بانک جهانی هستند.

این مجموعه نوین بازیگران، نهادها و عملیات‌ها با توجه به تلاش افراد و سازمان‌ها در دست‌یابی به منافع خود همیشه دینامیک است. بر همین اساس سازمان دیپلماسی نیز به‌گونه‌ای گسترش یافت تا پاسخگوی خواسته‌ها و انتظارات بازیگران درگیر باشد.

ثانیاً: شاهد تحول در ماهیت دیپلماسی هستیم. ماهیت دیپلماسی به دو دلیل دچار تغییر و تحول شد، یکی افزایش تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی و دیگری تغییر در ماهیت قدرت و حاکم شدن قدرت نرم در کنار قدرت سخت بر سیاست خارجی بازیگران.

با تغییر در ماهیت دیپلماسی، دیپلماسی نوین جایگزین دیپلماسی سنتی شد. در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که دیپلماسی نوین مبتنی بر چه اصول و مبنایی است و چه الزاماتی بر بازیگران بین‌الملل، از جمله ایران به عنوان یک مطالعه موردی

می‌پردازد. وی سه پارادیم رئالیسم، لیبرالیسم و سازه‌انگاری را بررسی می‌کند و ضمن انتقاد از دو پارادایم نخست در برجسته کردن ویژگی‌ها و خصوصیات سازه‌انگاری با دیپلماسی نوین تلاش می‌کند (Finn, 200).

جان نولن در پژوهشی تحت عنوان دیپلماسی و امنیت در قرن ۲۱، به وقایعی مانند بمب اتمی و حوادث ۱۱ سپتامبر می‌پردازد و سعی به بررسی تأثیر دیپلماسی در حفظ و برقراری امنیت در جهان مدرن دارد (Nolan, 2009).

ماری آین‌بیندر به دیپلماسی فرهنگی و تأثیر موسیقی بر صلح و همگرایی می‌پردازد (Einbinder, 2013). هنریکسون در پژوهشی به انواع دیپلماسی می‌پردازد (Henrikson, 2000). اسکارسون به نقش هنر در دیپلماسی می‌پردازد و تأثیر هنرمندان را بررسی می‌کند (Oscarson, 2009).

فیلیپ سیب در پژوهشی به دیپلماسی عمومی نوین با توجه به وقوع تغییرات در ماهیت قدرت می‌پردازد (Seib, 2009). بیسکوپسکی در پژوهشی سعی به بررسی تأثیر ایدئولوژی بر دیپلماسی دارد (Biskupski, 2003).

سایمپسون با روش تاریخی سیاسی به مطالعه دیپلماسی سنتی و نوین می‌پردازد و شباهت‌ها و تفاوت‌ها را بیان می‌کند (Simpson, 1987). داویدان به دیپلماسی فرهنگی در روابط آمریکا با ژاپن می‌پردازد (Davidann, 2007). میشل بتسیل و الیزابت کورل در پژوهشی به تأثیر و نفوذ سازمان‌های غیردولتی بر دیپلماسی می‌پردازند (Betsill and Corell, 2008).

همان‌گونه که از بررسی این ادبیات ادراک می‌شود، ادبیتاتی که در حوزه دیپلماسی وجود دارد از منطق

به مجموعه‌ای از فرایندها و یک مجموعه‌ای از ساختارها دارد که این فرایندها در چارچوب آن اجرا می‌شود (Lee and Hocking, 2011: 1). این تعریف از دیپلماسی موفقیت آن را وابسته به سه عنصر؛ برقراری تماس، کانال‌های ارتباطی برای ارتباط با بازیگر و مذاکره می‌داند.

در حوزه دیپلماسی دو دسته‌بندی کلی وجود دارد. یک طبقه و دسته‌بندی از آثار مربوط به دیدگاه و بینش اجراکنندگان و یک دسته‌بندی دیگر مربوط به تاریخ دیپلماسی است. دیپلماسی شامل یک مجموعه‌ای از قوانین و نرّم‌ها است. این نرّم‌ها و قوانین، نقش‌های رفتاری را تجویز، حوزه فعالیتی بازیگران را محدود و انتظارات بازیگران را شکل می‌دهند (Jonsson and Hall, 2005: 25).

به طور کلی، دیپلماسی یک نهاد و وزارت خارجه یک سازمان است (Jonsson and Hall, 2005: 25). دیپلماسی به عنوان یک نهاد، تاریخ بسیار طولانی دارد، ولی دیپلماسی به عنوان یک سازمان، پدیده جدیدی است (Jonsson and Hall, 2005: 26).

دیپلماسی به عنوان یک نهاد در سطح جامعه بین‌المللی و وزارت خارجه به عنوان یک سازمان در سطح روابط دولتی ادراک می‌شود؛ بنابراین نهاد دیپلماسی حتی در شرایطی که فاقد چارچوب سازمانی مانند وزارت خارجه باشد، خود شامل نرّم‌ها، هنجارها و قوانین برای افرادی است که نقش‌های دیپلماتیک را می‌پذیرند (Jonsson and Hall, 2005: 26).

جان ملیسن به دیپلماسی عمومی نوین می‌پردازد وی با بررسی دیپلماسی کشورهای مختلف سعی به مقایسه و تحلیل دیپلماسی سنتی با نوین دارد (Melissen, 2005). ادوارد فین به بحث و بررسی تحولات تکنولوژیکی و تأثیر آن بر دیپلماسی سنتی

تبع آن تحول مفهوم امنیت در عرصه بین‌المللی روند جهانی شدن را تسریع کرده است. این تحولات باعث ایجاد تغییراتی در اولویت‌بندی اهداف سیاست خارجی به عنوان حلقه واسط عرصه داخلی و خارجی کشورها شده است. در این میان، دیپلماسی به منزله یکی از ابزارهای مهم سیاست خارجی کشورها از این تحولات بی‌تأثیر نبوده است.

یکی از عمده‌ترین تأثیرات، افزایش اهمیت مؤلفه‌های اقتصادی در دیپلماسی به جای دیپلماسی مبتنی بر مؤلفه‌های امنیتی و سیاسی است (موسوی شفیعی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۸). ویژگی عصر حاضر در واقع، همان شدت روابط چندجانبه بین دولت‌ها و مردم در سرتاسر جهان است و این منجر به تحول در دیپلماسی سنتی می‌شود، به گونه‌ای که دیپلماسی در وضعیت نوین طیف وسیعی از بازیگران و تنوعی از موضوعات را دربرمی‌گیرد.

به طور کلی، کاربرد دیپلماسی سنتی محدود به اداره سیاست خارجی با توجه به وزارت خارجه، امروزه به تنهایی کاربرد چندانی در روابط بین‌الملل ندارد. دیپلماسی در وضعیت جهانی شدن دارای چارچوبی است که به شرح ذیل بیان می‌شود:

- **بسترها و محیط دیپلماسی:** برای تحقق دیپلماسی قبل از هر چیز مسئله‌ای باید وجود داشته باشد. مسئله‌ای که نیاز به حل و فصل داشته باشد. برای حل این مسئله، دیپلمات‌ها نیاز به شناسایی محیط دارند. باید توجه داشت که در بعضی از محیط‌ها دیپلماسی قابلیت کاربردی بیشتری دارد، اما در محیط‌های دیگر فضا برای اقدامات دیپلماتیک محدود است. مثلاً محیط اروپا دارای یک فضای مساعد برای انجام اقدامات دیپلماتیک است، به گونه‌ای که حتی بزرگ‌ترین چالش‌ها در

سنتی به پدیده دیپلماسی می‌نگرند و غنای مفهومی آن بسیار محدود است؛ بنابراین از منظر نوین نیز کمتر به موضوع دیپلماسی پرداخته شده است.

۲. مفهوم دیپلماسی

دیپلماسی، یک مفهوم دینامیک است و در طی زمان تکامل می‌یابد؛ بنابراین دیپلماسی باید به عنوان یک پدیده‌ای در طی زمان شناخته شود. دیپلماسی بسیار وابسته به تکنولوژی است و با تحول در تکنولوژی‌های ارتباطی، دیپلماسی نیز متحول می‌شود. در جهان متحول و متغیر کنونی، کشورها معمولاً در چارچوب گفت‌وگو بین‌المللی نوین رفتار کرده و منافع ملی خود را منطبق با آن تعریف می‌کنند. جهان متحول شده، دیپلماسی متحول را نیز می‌طلبد. دیپلماسی ایستا در جهانی پویا ناکارآمد و ناموفق خواهد بود.

اصولاً دیپلماسی دارای سه بُعد؛ ارتباطی، نمایندگی و شناختی است. منطق دیپلماسی عمومی در پس‌زمینه تئوری کنش ارتباطی هابرماس شناسایی شده است (Gerth and Shane, 2005: 141). تئوری‌ای که احتمالات را برای تبادل ارتباطی اخلاقی و ارتباط معنادار در بین کنشگران درگیر (دولت ملت از طریق دیپلماسی عمومی) ترسیم می‌کند (Jonsson and Hall, 2005: 37).

بُعد دیگر دیپلماسی، نمایندگی است و به عبارتی دیپلمات‌ها نمایندگان کشورها هستند. سومین بُعد دیپلماسی شناخت است که به دانش و آگاهی بازیگران مربوط می‌شود. به عبارتی شناخت اشاره به روش‌هایی دارد که در آن سیاستمداران و دیپلمات‌ها سعی در دستیابی به اهداف دارند.

پایان جنگ سرد و فروپاشی نظام دوقطبی و به

دیپلماسی موفق است که چنین الگوهای رفتاری را شناخته و به نحو احسن استفاده کند (Hocking and Others, 2012: 13).

اصولاً در وضعیت جهانی شدن با توجه به تحول در ماهیت و ابعاد قدرت، الگوهای ارتباطی نیز متحول شده و قدرت ارتباطی جایگزین قدرت سنتی نظامی امنیتی شده است.

• بازیگران: یکی از ویژگی‌های دیپلماسی قرن ۲۱، ظهور شبکه‌های چند عاملی است؛ بنابراین یکی از چالش‌های کلیدی دیپلمات‌ها، مواجه شدن با ساختارها و فرایندهای موجود در محیط دیپلماسی است. در دیپلماسی نوین برخلاف دیپلماسی سنتی، بازیگران فقط بازیگران رسمی و دولتی نیستند، بلکه محیط دیپلماسی با تعدد و تکثر بازیگران مواجه است و جدا از تکثر بازیگران، الگوهای رفتاری بازیگران نیز متنوع است؛ بنابراین دیپلماسی نوین هم تعدد بازیگران و هم تنوع رفتاری بازیگران را شامل می‌شود.

۳. گذار از دیپلماسی سنتی به دیپلماسی نوین

در گذشته دیپلماسی را هنر و عمل انجام مذاکره بین نمایندگان دولت‌ها می‌دانستند که با عنصر مذاکره عجین شده و هرچند در حال حاضر نیز دیپلماسی با عنصر مذاکره عجین شده، ولی از قالب هنر خارج شده است و در چارچوب علم مذاکره می‌توان آن را تعریف کرد (Nakamura and Ep- 2007: 1).

بر این اساس دیپلماسی، علم استفاده از قدرت و توان موجود برای مذاکره با رقبا و بازیگران خارجی به منظور دستیابی به اهداف در میز مذاکره تعریف

این محیط مدیریت می‌شود، اما محیط متشنج خاورمیانه، چنین قابلیت را ندارد.

دومین مسئله: راجع به محیط ساختارهای قدرت می‌باشد. دیپلمات‌ها برای مدیریت و حل و فصل یک مسئله بایستی این ساختارهای قدرت را بشناسند. سومین مسئله: تشخیص بُعد مکانی مسئله است، در اینجا باید مسائل داخلی و خارجی را از یکدیگر تفکیک کرد و یک دیپلمات موفق نیاز به شناسایی این موضوع دارد که آیا مسئله داخلی بوده و جنبه بین‌المللی گرفته یا مسئله خارجی بوده و باعث بحران‌های داخلی می‌شود. به هر حال برای مدیریت مسئله در نخستین گام نیاز به رجوع به محیط دیپلماسی است.

• قوانین و نُرم‌ها: دیپلماسی به عنوان مجموعه‌ای از فرایندهای ارتباطی مبتنی بر قوانین و نُرم‌های رفتاری است؛ بنابراین نیاز به انطباق ترتیبات جدید قدرت با محیط بسیار پیچیده دیپلماتیک است. به عبارتی، محیط دیپلماتیک نیاز به قواعدی دارد که فرایند دیپلماسی در آن اجرا شود و این قواعد را می‌توان قواعد تعامل نامید. در دیپلماسی نوین قواعد تعامل نیز از پیچیدگی برخوردارند و وقتی صحبت از تعامل بازیگران با یکدیگر می‌شود این تعامل در چارچوب نُرم‌ها و قوانین پیچیده است.

• الگوهای ارتباطی: تحول در الگوها و تکنولوژی‌های ارتباطی مرکز عملیات دیپلماسی است. در حال حاضر با توجه به وقوع چنین تحولاتی، مبحث قدرت نرم و دیپلماسی عمومی مطرح است. به عبارتی با رشد فناوری‌هایی، همچون فیبر نوری، ماهواره، تلفن همراه، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های ... در قرن ۲۱، فرصت‌ها و محدودیت‌های جدیدی بر اقدامات دیپلماتیک اعمال می‌شود. کشوری در

در حوزه دیپلماسی؛ بازیگرانی که از تکنولوژی‌های ارتباطی برخوردارند و قادرند از آن بهره ببرند. این بازیگران در حال حاضر از سازمان‌های غیردولتی سنتی فراتر رفته و گروه‌های جامعه مدنی را نیز دربرمی‌گیرند.

گسترش موضوعات امنیتی؛ در وضعیت نوین امنیت شامل موضوعات بسیاری از نظامی گرفته تا محیط زیست، آب و هوا و حتی امنیت سایبری و شبکه‌ای می‌شود، درحالی‌که در گذشته فقط موضوعات نظامی را دربرمی‌گرفت.

در گذشته، کار ویژه دولت‌ها امنیتی و نظامی بود، به همین دلیل دولت‌های دیکتاتور کارآمدترین دولت‌ها بودند. در حال حاضر، کار ویژه دولت گسترش یافته است و مسائل رفاهی در کنار مسائل امنیتی مطرح است، به‌گونه‌ای که در وضعیت پیچیدگی، مفهوم دولت تجاری جایگزین دولت قلمروی شده است (Rosecrance, 1989).

سانر و یوی در کنار نقش سنتی که دیپلماسی ایفا می‌کند، کار ویژه دیپلماسی مدرن را مواردی همچون اقتصادی، تجاری، شرکتی، بازرگانی، سازمان‌های غیردولتی ملی و سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی می‌دانند (Trunkos, 2011).

تحول در خواسته‌ها و انتظارات بازیگران، تحول در ماهیت و سلسله مراتب قدرت (در دیپلماسی سنتی قدرت حالت نظامی امنیتی داشت. در دیپلماسی نوین ماهیت قدرت متحول شده و قدرت ارتباطی اجتماعی بسیار نقش آفرین است. به علاوه، در دیپلماسی سنتی قدرت حالت سلسله مراتبی سنتی داشت، اما در وضعیت نوین عدم سلسله مراتب بین قدرت و بین موضوعات دیپلماسی و سیاست خارجی وجود دارد) و گسترش نهادهای چندجانبه

می‌شود. دیپلماسی در گذشته به فعالیت‌ها و اقدامات اشخاص در میان اجتماعات سیاسی (قبایل، پادشاهی‌ها، امپراتوری‌ها یا دولت‌های ملی) مربوط بود.

بنابراین در گذشته دیپلماسی با فعالیت‌های اشخاص خاص در پیوند بود و بیشتر جنبه شخصی داشت تا اینکه حرفه‌ای و سازمان یافته باشد. در کنار این مشخصه، دیپلماسی سنتی با عنصر قدرت و آن هم از نوع عریان آن (زور فیزیکی) عجین بود. دیپلماسی در قرن نوزدهم توسط طبقه بورژوا اعمال می‌شد.

نهایتاً دیپلماسی در میان دولت‌های ملی اعمال شد و جنبه رسمی و قانونی گرفت؛ بنابراین ویژگی دولت محوری بودن نیز از دیگر مشخصه دیپلماسی سنتی است. در دیپلماسی سنتی، دیپلماسی ابزار تأمین منافع دولتی بود. هرچند که گاهی منافع شخصی و فردی به جای منافع دولتی بر دیپلماسی غالب می‌شد. یکی دیگر از ویژگی‌های بارز دیپلماسی سنتی، عقلانیت محوری مطلق و حاکمیت عنصر عقلانیت مطلق بر آن است (برای مطالعه بیشتر رجوع شود به 4: Lohmann, 2017).

محیط دیپلماتیک قرن ۲۱ با تحول و عدم قطعیت شناخته می‌شود (Hocking and others, 2012: 5). محیط دیپلماتیک فعلی دربرگیرنده یک تصویر بسیار پیچیده‌ای از موازنه بین تغییر و تداوم است. این پیچیدگی محیطی، دیپلماسی را بسیار پیچیده می‌سازد. در این محیط متغیر، دیپلماسی نیاز به انطباق با محیط فعلی و تغییرات موجود در این محیط دارد.

بنابراین ویژگی‌های بارز دیپلماسی در محیط نوین فعلی عبارت‌اند از: تکثر و تنوع بازیگران بین‌المللی

وجه تمایز اصلی، انواع دیپلماسی عمومی از دیپلماسی سنتی، در نوع ارتباط با مردم و استفاده از وسایل تبلیغی است، یعنی دیپلماسی عمومی از ابتدا با مردم، تشکل‌های عمومی و سازمان‌های غیردولتی سروکار داشته و فعالیت‌های آن محدود به نظرات دولت نیست (محسن‌زادگان و حسینی کرانی، ۱۳۹۰: ۱۰).

دیپلماسی آرام^۱: این نوع دیپلماسی مبتنی بر روابط دوستانه و همچنین تاریخی با قدرتهای بزرگ است. این نوع دیپلماسی همچنین در شکل لابی‌گری سازمان‌های بین‌المللی در ژنو، واشنگتن و جاهای دیگر نیز است و به طور سنتی توسط دیپلمات‌های حرفه‌ای اعمال می‌شود (Henricson, 2000: 1).

دیپلماسی اعتراضی^۲: این نوع دیپلماسی در مقابل دیپلماسی آرام و ساکت است. این نوع دیپلماسی زمانی مطرح می‌شود که موضوعات اساسی یک کشور مثل مرزهای سرزمینی یا حاکمیت در کانون مسئله باشد. به عبارتی با سیاست اعلا همراه است. به طور کلی، موضع اساسی این نوع دیپلماسی مقابله و مخالفت است.

دیپلماسی گروهی: این نوع دیپلماسی با مباحث دسته‌جمعی همراه است. این نوع دیپلماسی معمولاً در سازمان‌های بین‌المللی، قابلیت اعمال و اجرا دارد. در مناطق نیز با توجه به شکل‌گیری رژیم‌های منطقه‌ای شاهد اجرای چنین دیپلماسی هستیم.

دیپلماسی نیچه‌ای^۳: دیپلماسی نیچه‌ای بسیار نزدیک به استراتژی است. ایده دیپلماسی نیچه‌ای این است که کشورها در سیاست خارجی می‌توانند

بین‌المللی با مقررات خاص خود، منجر به کاهش قدرت دیپلماتیک بازیگران رسمی در وضعیت نوین می‌شود (Hocking and others, 2012: 5). به علاوه، دیپلماسی نوین منجر به کاهش نقش ایدئولوژی می‌شود (Feilleux, 2009).

به طور کلی، مقایسه مؤلفه‌های اساسی دیپلماسی نوین با دیپلماسی سنتی و رسمی بیانگر سه محور اساسی زیر است:

۱. دیپلماسی نوین آشکار و علنی است، در حالی که دیپلماسی رسمی و سنتی پنهان و غیرعلنی است.

۲. مخاطبان دیپلماسی عمومی و نوین، گروه‌های هدف خاص یا عموم مردم جامعه در دل یک ملت دیگرند، در حالی که در دیپلماسی رسمی، مخاطبان دولت‌ها هستند.

۳. موضوعات دیپلماسی به رفتار و تمایلات عموم مردم در دیگر کشورها مربوط می‌شود، در حالی که دیپلماسی سنتی با رفتار و سیاست‌های دولت‌ها سرکار دارد (آشنا و جعفری هفت‌خوانی، ۱۳۸۶: ۱۸۴).

۴. انواع دیپلماسی

در وضعیت نوین دیپلماسی انواع مختلفی دارد که عبارت‌اند از:

دیپلماسی عمومی: دیپلماسی عمومی یا مردمی را می‌توان پایه انواع دیپلماسی‌هایی دانست که با ورود فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و به تناسب پیشرفت و نوآوری‌ها، با اصطلاحات ترکیبی متشکل از نام آن فناوری یا نرم‌افزار همراه با دیپلماسی مطرح می‌شوند.

1. Quiet Diplomacy
2. Protest Diplomacy
3. Niche Diplomacy

دیپلماسی چندفرهنگی^۵: این دیپلماسی به نوعی در تقابل با دیپلماسی دیاسپوریک است. در این نوع از دیپلماسی تأکید بر کشور میزبان بیشتر از کشور ریشه است. اگرچه این نوع دیپلماسی در ارتباط با کشورهای مهاجر بزرگ مثل آمریکا، استرالیا و برزیل است، ولی برای کشورهایی مانند فیجی، ترینیداد، توباگو و گایانا نیز قابلیت اجرا دارد.

دیپلماسی سرمایه‌های (شرکتی)^۶: در این نوع دیپلماسی یک کشور سعی می‌کند از طریق سرمایه‌گذاری در کشورهای دیگر از منابع طبیعی بهره‌برداری کرده و قوانین و وضعیت اقتصادی و تا اندازه‌ای سیاسی کشور خود را بر کشور میزبان تحمیل کند. به عبارتی، در این نوع دیپلماسی کشور سرمایه‌گذار سعی در ترویج قوانین اقتصادی و سیاسی خود در کشور پذیرنده سرمایه دارد.

دیپلماسی قانونی و تنظیمی^۷: این نوع دیپلماسی در تقابل با دیپلماسی سازمانی و سرمایه‌ای است. در این نوع دیپلماسی کشور میزبان قوانینی را برای حمایت از منافع خود در مقابل کشورهای دیگر وضع می‌کند.

تله دیپلماسی^۸: این نوع دیپلماسی به عنوان یک جنبه کلیدی در محیط سیاسی دیده می‌شود که بر نتایج و فرایند سیاست خارجی اثر می‌گذارد که در نتیجه، توانایی پاسخگویی سریع به جریان شتابنده اتفاقات یکی از شاخصه‌های اصلی در ارزیابی قابلیت تعامل با دیگران بوده و در سازمان و عملکرد سیستم‌های ملی در دیپلماسی منعکس می‌شود (محسن‌زادگان و حسینی کرانی، ۱۳۹۰: ۱۰).

تا حدودی مانند اقتصاد مناطق امن و تأثیرگذار بر سیاست بین‌الملل را اشغال کنند. این نوع دیپلماسی در وضعیت پیچیدگی حاکم بر سیستم بین‌الملل، برای قدرت‌های متوسط و کوچک با اجتماع توانایی‌های خود روی یک حوزه موضوعی خاص قابلیت اجرا دارد.

دیپلماسی نیچه در شرایط متحول و دینامیک محیطی بسیار کاربرد دارد. در جهان تکاملی داروین، ارگانیسم‌ها باید خود را مداوماً با محیط منطبق کنند یا از بین بروند و این با اندیشه نیچه در تطابق است (برای مطالعه بیشتر در مورد دیپلماسی نیچه رجوع شود به Melissen, 2005: 71-73).

دیپلماسی دیاسپوریک^۹: این دیپلماسی اشاره به گسترش حوزه‌های نفوذ بازیگران دارد. این دیپلماسی نوعی دیپلماسی مهاجرتی نیز هست. دیپلماسی دیاسپورا اشاره به ادامه روابط خانوادگی با اتباع و همچنین اتباع سابق در یک کشور خارجی، به‌ویژه روابط گسترده با منابع قدرت و تصمیم‌گیری دارد. نمود بارز چنین دیپلماسی‌ای را می‌توان دیپلماسی رژیم صهیونیستی با لابی‌گری‌های خود عنوان کرد.

دیپلماسی دیاسپوریک دارای سه عنصر و مشخصه؛ گروه اقلیت قومی و نژادی، کشور میزبان و کشور ریشه و اصلی است؛ بنابراین اجرای این دیپلماسی مستلزم ارتباط قوی بین کشور میزبان با گروه‌های قومی کشور ریشه و لابی‌گری گروه‌های قومی با استراتژیست‌ها و سیاست‌گذاران کشور ریشه و اصلی است (برای مطالعه بیشتر رجوع شود به Trent, 2012: 7-9).

5. Multicultural Diplomacy
6. Enterprise Diplomacy
7. Regulatory Diplomacy
8. Tele-diplomacy

4. Diasporic Diplomacy

کشور به کشور است که طی آن تلاش‌های مقامات رسمی یک کشور برای نفوذ بر مقامات رسمی کشوری دیگر برای اتخاذ موضعی خاص متمرکز است.

به طور کلی، محیط دیپلماسی در وضعیت نوین مانند وضعیت سنتی آنراشیک و قدرت ابزار دست‌یابی به اهداف است، اما در دیپلماسی نوین تنوع قدرتی و تعدد ابزارهای دست‌یابی به اهداف وجود دارد. بر این اساس، در دیپلماسی نوین بازیگران با چندین روش و راه‌حل، در رابطه با یک مسئله مواجه هستند. به عبارتی، برخلاف وضعیت سنتی یک راه‌حل (جنگ یا صلح) برای حل مسئله وجود ندارد، بلکه بازیگران در مواجهه با یک مسئله با توجه به تغییر در ماهیت قدرت و چندبُعدی بودن قدرت با چندین راه‌حل مواجه هستند.

به علاوه، در دیپلماسی نوین بازیگران با یک معادله دو مجهولی مواجه نیستند. به عبارتی بهتر، در وضعیت نوین دیپلمات‌ها برخلاف وضعیت سنتی با پدیده صلح و جنگ مطلق مواجه نیستند، بلکه هر پدیده‌ای چندین حالت به خود می‌گیرد. همچنین، بازیگران درگیر در دیپلماسی واحد، به چند دسته متحدان استراتژیک، همراهان استراتژیک، رقبای استراتژیک و معارضان استراتژیک تقسیم می‌شوند.

بنابراین در گام نخست تصمیم‌گیرندگان در حوزه دیپلماسی به شناسایی بازیگران درگیر در دیپلماسی نیاز دارند. اصولاً دیپلماسی کارآمد بر پایه تبدیل منافع متعارض به منافع رقابت‌آمیز و تبدیل این منافع به منافع موزی و سپس به منافع مشترک، تدوین و اعمال می‌شود، یعنی در این نوع دیپلماسی با معیار قرار دادن منافع ملی در سیاست خارجی، دشمن را به مخالف، مخالف را به رقیب، رقیب را به همکار و همکار را به شریک تبدیل می‌کند

دیپلماسی سایبری^۹؛ با توجه به ارتباطی شدن قدرت این نوع دیپلماسی کاربرد بسیاری دارد و از طریق پیوندهای گوناگون اعمال می‌شود (برای مطالعه بیشتر در مورد انواع دیپلماسی رجوع شود به Henricson, 2000: 1-17; Sanders, 1989; Evans and Grant, 1991; Conostas and Platias, 1993; Annan, 1998).

۵. الزامات و شرایط دیپلماسی نوین

تغییر شرایط بین‌المللی و مطرح شدن مؤلفه‌های جدید باعث شده کشورها برای پیشبرد هرچه بهتر منافع ملی خود ابزارها و سیاست‌های جدیدی را تعریف و به کار برند. در واقع، انقلاب ارتباطات و گسترش وسایل ارتباط جمعی از یک طرف و فعال شدن بازیگران غیردولتی مانند سازمان‌های غیردولتی و شرکت‌ها منجر به نقش یافتن افراد شده است. به گونه‌ای که امروزه افکار عمومی یکی از ارکان مهم در تصمیم‌گیری‌های کشورها در حوزه‌های گوناگون محسوب می‌شود.

بنابراین کشورها نمی‌توانند همچون گذشته تنها بر تبادلات بین دولتی خود در قالب دیپلماسی سنتی تکیه کنند. این امر موجب شده است تا در بسیاری از کشورها سازوکارهای جدیدی برای دستگاه دیپلماسی تعریف شود. در این دیپلماسی که بخش دولتی با بخش خصوصی همراه با یکدیگر عمل می‌کنند، تلاش عمده دیپلمات ارتباط با مخاطب عام و افکار عمومی است تا بتواند پیام خود را منتقل کند (رفیع و نیک‌روش، ۱۳۹۲: ۱۰۶).

دیپلماسی در معنای سنتی آن، اساساً شامل تعاملاتی است که بین حکومت‌ها و دولت‌ها جریان می‌یابد یا به تعبیری دیپلماسی سنتی، دیپلماسی

9. Cyber Diplomacy

(محسن‌زادگان و حسینی‌کرانی، ۱۳۹۰: ۹).

اصولاً در گذشته مهم‌ترین موضوعات نظامی یا مسائل سرزمینی و جغرافیایی بودند و ابزارها نیز نظامی بودند، ولی در حال حاضر موضوعات دیپلماسی صرفاً نظامی و جغرافیایی نیستند، بلکه در کنار موضوعات نظامی و جغرافیایی، مسائل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، تکنیکی، هویتی، حقوقی و بسیاری از مسائل دیگر مطرح هستند. یکی از ابزارهای دست‌یابی به اهداف در دیپلماسی نوین ابزار نظامی و تهدید است. البته از این ابزار در زمانی استفاده می‌شود که ابزارهای دیگر ناکارآمد باشند.

معمولاً از ابزار تهدید برای ترغیب رقبای استراتژیک یا تهدید دشمنان استراتژیک استفاده می‌شود. با این تفاوت که برای رقبا در زمان مذاکره، در صورتی که ابزارهای دیگر کاربرد نداشته باشد و برای دشمنان قبل مذاکره، در حین مذاکره و حتی بعد از مذاکره استفاده می‌شود. ابزار دیگر در دیپلماسی نوین ابزار اقتصادی است.

بیش از نیم قرن است که اقتصاد، نه تنها روی دیگر سکه سیاست خارجی است، بلکه در مورد بعضی از کشورها مترادف با سیاست خارجی شده است. به گونه‌ای که امروزه بحث سیاست در خدمت اقتصاد یا اقتصاد در خدمت سیاست و اولویت‌های هر یک مطرح است. جهانی شدن اقتصاد به شکل فزاینده‌ای دیپلماسی اقتصادی را به سازه‌ای مهم در سیاست خارجی تبدیل کرده، به گونه‌ای که بسیاری از اداره‌های روابط خارجی با بخش‌های تجاری درهم آمیخته‌اند.

جهانی شدن اقتصاد همچنین ترسیم تمایز آشکار بین امور داخلی و امور بین‌المللی را دشوار ساخته است. مسائل اقتصادی جهانی تأثیر بسیاری بر مسائل داخلی داشته و در این فرایند دیپلماسی

هنر دیپلمات در اینجا این است که ضمن تشخیص بازیگران درگیر در مذاکره بر اساس نوع ماهیت آن‌ها، با توجه به قدرت کشور و دانش و آگاهی لازم، مناسب‌ترین فن مذاکره را نیز با آن‌ها داشته باشد. در حوزه دیپلماسی و سیاست خارجی هیچ بازیگری متحد و معارض استراتژیک دائمی ندارد، مگر اینکه دیپلماسی با عنصر ایدئولوژی ترکیب شود.

به عبارتی، در حوزه دیپلماسی و سیاست خارجی منافع بازیگران و تهدیدات موجود، متحدان و معارضان استراتژیک را مشخص می‌کند. در صورتی که بازیگران دارای منافع موازی یا مشترک یا با تهدیدات مشترکی مواجه باشند، به همکاری در آن حوزه پرداخته و متحد می‌شوند. بعد از شناسایی بازیگران در گام بعدی؛ نوع مواجه شدن با آن‌ها با توجه به نوع و حوزه موضوعی، منافع بازیگر خودی و منافع کشورهای درگیر در مذاکره و قدرت کشور و بازیگران درگیر در مذاکره مشخص می‌شود.

در مرحله نهایی دیپلماسی با توجه به ماهیت مسئله و نوع مذاکره به ارزیابی مسئله از منظر دست‌یابی به اهداف می‌پردازد. در دیپلماسی نوین سود و زیان مطلق مطرح نیست، بلکه درجات دست‌یابی به اهداف مطرح است.

۶. ابزارهای دیپلماسی در وضعیت نوین

در وضعیت نوین نظام بین‌الملل ابزارهای دیپلماسی نیز متحول شده است. در دیپلماسی سنتی از آنجا که موضوعات ساده و سنتی بودند، ابزارها نیز حالت سنتی داشتند، اما در وضعیت نوین و پیچیده، ابزارهای دیپلماسی نیز از ویژگی پیچیدگی برخوردار هستند.

دیپلماسی سنتی به دو شکل مثبت و منفی استفاده می‌شود. در هر دو شکل هدف تغییر الگوی رفتاری دیگر بازیگران است، اما با این تفاوت که در شکل مثبت سعی به تغییر الگوی رفتاری بازیگر رقیب و خاطی با کمک‌ها و مزایای اقتصادی به رقبای بازیگر رقیب یا متحدان درون بلوکی رقیب برای ایجاد تنش و شکاف بین بازیگر خاطی با متحدانش است و در شکل منفی با سلب امتیاز و مزایای اقتصادی بازیگر خاطی و متحدان آن است. در دیپلماسی پیچیده بازیگران از هر دو نوع ابزار اقتصادی برای دستیابی به اهداف خود بهره می‌برند.

ابزار بعدی در دیپلماسی نوین فرهنگی است. در دیپلماسی نوین با توجه به تعدد و تکثر بازیگران و تنوع موضوعات، ابزار فرهنگی دیپلماسی نیز مطرح است. دیپلماسی فرهنگی از قدرت نرم بازیگران سرچشمه می‌گیرد. این ابزار هم حالت همکاری جویانه و هم حالت رقابتی به خود می‌گیرد. استفاده از ابزار فرهنگی دیپلماسی همراه با شرایطی است.

اگر دو بازیگر از نظر فرهنگی ارزش‌های مشترک یا موازی داشته باشند، همکاری بین دو کشور شکل می‌گیرد. در صورتی که ارزش‌های دو بازیگر تعارضی یا اختلافی باشد الگوی رفتاری بازیگران با توجه به عنصر تعارض شکل می‌گیرد.

دیپلماسی نوین از هر دو بُعد ابزار فرهنگی برای دستیابی به اهداف بهره می‌برد. در این نوع دیپلماسی در عین اینکه ممکن است بازیگری با بازیگر خاطی از بُعد تعارضی فرهنگی مواجه شود، اما ممکن است در نتیجه تداخل کارکردها و بازیگران از بُعد همکاری با مردم آن بازیگر برآید و سعی در جدایی بین مردم یک کشور با حکومت آن کشور

اقتصادی، مسائل اقتصادی جهانی را نیز دربرمی‌گیرد (محسن زادگان و حسینی کرانی، ۱۳۹۰: ۱۳). سطوح عمل دیپلماسی اقتصادی در سه سطح دوسویه، منطقه‌ای و چندسویه است (هارون الرشید، ۱۳۸۵: ۱۲۸).

به طور کلی، از ابزار اقتصادی در راستای دستیابی به اهداف در دیپلماسی به دو شکل مثبت و منفی و پیوند بین این دو می‌توان یاری گرفت و با توجه به تکثر بازیگران و تنوع در حوزه‌های موضوعی، کاربرد استراتژی پیوند زیاد است (Newnham, 2002: 17).

از ابزار اقتصادی به شکل منفی و مثبت می‌توان در حوزه‌های موضوعی خاص و عام بهره و با راهبرد پیوند سعی به استفاده از آن داشت. در پیوند خاص، ابزار اقتصادی مستقیماً برای تغییر الگوی رفتاری دیگر بازیگران در راستای دستیابی به یک موضوع خاص استفاده می‌شود. در اینجا بازیگر و موضوع به طور صریح مشخص است.

نمونه کاربرد ابزار اقتصادی به شکل منفی و در یک حوزه موضوعی خاص تحریم‌های آمریکا علیه شوروی در قضیه افغانستان است و نمونه مثبت آن کمک‌های تایوان به بعضی از کشورها که حاضر هستند آن را به رسمیت بشناسند. در هر دو مورد از ابزار اقتصادی به شکل تنبیه یا پاداش برای تغییر الگوی رفتاری دیگر بازیگران بهره برده می‌شود. در پیوند موضوعی عام، موضوع متنوع و بازیگران متعدد هستند.

نمونه کاربرد ابزار اقتصادی به شکل منفی و در شکل کلی می‌توان به تحریم‌های اقتصادی آمریکا در جنگ سرد علیه بلوک غرب و نمونه مثبت آن به کمک‌های اقتصادی آمریکا در زمان تنش‌زدایی به بلوک شرق اشاره کرد (Newnham, 2002: 19).

اصولاً از ابزار اقتصادی در دیپلماسی نوین برخلاف

در شرایط فعلی به نظر می‌رسد که منطق مدیریت کلان و میانی تأمین امنیت ملی با جهت‌گیری‌های سیاست خارجی ایران گره خورده است و بر این اساس، تغییر در یک بخش مستلزم تغییر در بخش‌های دیگر است و پیامدهای امنیتی دربردارد (سریع‌القلم، ۱۳۸۷: ۱۹).

ابزار دیگر در دیپلماسی، فرهنگی است. کاربرد این ابزار نیز نیاز به حضور در گستره‌های مختلف و تولید ایده‌های نوین دارد. در حال حاضر با داشتن نگاه غیرتخصصی به دستگاه دیپلماسی استفاده از این ابزار نیز مشکل است. جمهوری اسلامی برای دستیابی به این منظور بایستی نوعی نگاه فعال در مناطق مختلف و با ایده‌های نوین و منطبق با شرایط موجود داشته باشد که البته برای ایجاد ایده نیاز به یاری گرفتن از نخبگان تخصصی در بدنه دستگاه دیپلماسی احساس می‌شود.

با این اوصاف، به نظر می‌رسد مهم‌ترین ابزار ایران برای دستیابی به اهداف خود از منظر دیپلماتیک امنیتی و یاری گرفتن از قدرت نظامی و از نوع تهدید و بازدارنده است، البته این ابزار با توجه به ویژگی امنیتی بودن منطقه و شرایط موجود از کارایی لازم در دیپلماسی منطقه‌ای و در موضوعات سخت برخوردار است، ولی در دیپلماسی بین‌المللی و موضوعات نرم نیاز به ابزارهای دیگر و با توجه به عدم انطباق محیط دیپلماتیک ایران با شرایط موجود نیاز به تغییرات در این حوزه شدیداً احساس می‌شود.

به علاوه، تغییر در روش‌های دیپلماتیک نیز یک الزام در دیپلماسی ایران است. در محیط نوین با توجه به تحولات ایجادشده در آن نمی‌توان بازیگران را در دسته دو وجهی دوست و دشمن تفکیک کرد. در اینجا با توجه به نوع مسئله و نقش بازیگر، به متحدان

برای دستیابی به اهداف دیپلماتیک داشته باشد (برای مطالعه بیشتر در مورد دیپلماسی فرهنگی رجوع شود به، Pajtinka, 2014; Njiru, 2015; Mark, 2008; Bound and Others, 2007).

۷. دیپلماسی ایران در محیط نوین

امروزه در عرصه سیاست بین‌الملل با توجه به تحولات در سیستم بین‌الملل دیپلماسی موفق و مؤثر نیاز به انجام تغییرات در نهادها، روش‌ها و ابزارهای کارآمد و منعطف است (وحیدی، ۱۳۸۶: ۳۷۳). یکی از ابزارهای دیپلماسی نوین اقتصاد است. همان‌گونه که عنوان شد از ابزار اقتصادی هم برای تشویق و هم تنبیه بازیگران می‌توان استفاده کرد.

در روش تشویق بازیگر به رقبا پیشنهاد کمک‌های اقتصادی برای تغییر الگوهای رفتاری و نهایتاً دستیابی به منافع خود و در روش تنبیه سعی در منع رقیب با سلب امتیازات اقتصادی دارد. اصولاً در کشورهایی که مهم‌ترین دغدغه حوزه قدرت، تولید ثروت است، سیاست خارجی قابلیت انعطاف پیدا می‌کند. ماهیت قدرت در نظام جمهوری اسلامی، عقیدتی است و اندیشه اسلامی به طور طبیعی در تقابل با سلطه سرمایه‌داری و مادی موجود بین‌المللی است (محسن‌زادگان و حسینی‌کرانی، ۱۳۹۰: ۱۹).

بنابراین کاربرد ابزار اقتصادی برای دستیابی به اهداف دیپلماتیک در ایران ضعیف است و نیاز به انطباق با شرایط جدید با توجه به تحول در مفهوم قدرت به شدت احساس می‌شود. برای دستیابی به این مقصود به نظر می‌رسد که جمهوری اسلامی ایران به تفکیک قائل شدن بین مسائل در حوزه سیاست خارجی نیاز دارد و بایستی بین موضوعات امنیتی و اقتصادی تفکیک ایجاد شود.

و موضوعات نیز متنوع هستند، ابزارهای دستیابی به اهداف نیز متعدد و بازیگران با توجه به منطق غیرخطی حاکم بر دستگاه دیپلماسی، از پیوندهای موضوعی و مکانی برای تحقق اهداف خود بهره می‌برند.

ایران نیز به عنوان عضوی از سیستم بین‌الملل، نیاز به همگام شدن با تحولات جهانی و تغییر در دیپلماسی خود دارد. بر این اساس، ایران با توجه به ماهیت مسائلی که با آن مواجه است و محیط منطقه‌ای خاورمیانه که مستعد آشوب است، همچنان از ابزار نظامی برای دستیابی به اهداف خود در اقدامات دیپلماتیک یاری می‌گیرد و علی‌رغم پاسخگو بودن این ابزار در محیط منطقه‌ای خاورمیانه و موضوعات سخت، ولی در موضوعات نرم نیاز به تغییر در ابزارهای دیپلماتیک و یاری گرفتن از ابزارهای نوین و همچنین تکنیک‌های نوین به شدت احساس می‌شود.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

تمامی اصول اخلاق پژوهش در این مقاله رعایت شده است.

حامی مالی

این تحقیق هیچ‌گونه کمک مالی از سازمان‌های تأمین مالی در بخش‌های عمومی، تجاری یا غیرانتفاعی دریافت نکرد.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسنده این مقاله تعارض منافع ندارد.

استراتژیک، همراهان استراتژیک، رقبای استراتژیک و معارضان استراتژیک دسته‌بندی می‌شوند.

این دسته‌بندی، دیپلماسی نوین را منعطف‌تر از دیپلماسی کلاسیک و روش‌های اقدامات دیپلماتیک را نیز متنوع‌تر از گذشته می‌کند. به نظر می‌رسد نیاز به بازنگری در دیپلماسی ایران با توجه به نقش بازیگر در مسائل مورد بررسی وجود دارد.

۸. بحث و نتیجه‌گیری

با جهانی شدن، سیستم بین‌الملل نیز متحول شد و با تحول در سیستم بین‌الملل، پدیده‌های روابط بین‌الملل نیز از فرایند جهانی شدن متأثر شدند. یکی از پدیده‌هایی که به شدت تحت تأثیر جهانی شدن قرار گرفته، دیپلماسی بوده است.

جهانی شدن دو تأثیر مهم بر نهاد دیپلماسی داشت. اول: منجر به گسترش سازمان دیپلماسی شد و دوم: منجر به تغییر در ماهیت پدیده دیپلماسی شد و دیپلماسی نوین، جایگزین دیپلماسی سنتی و دولت محور گذشته کرد. به عبارتی، جهانی شدن اصول و مبانی دیپلماسی سنتی را متحول کرد و دیپلماسی نوین، جایگزین دیپلماسی سنتی شد.

بنابراین اصول حاکم بر دیپلماسی نوین متحول و ابزارهای دستیابی به اهداف نیز در دیپلماسی نوین متفاوت از دیپلماسی سنتی است. در دیپلماسی سنتی از آنجا که بازیگران، دولت‌ها و موضوعات معمولاً نظامی امنیتی مطرح بودند، ابزارهای دستیابی به اهداف نیز ساده و نظامی امنیتی بودند و موضوعات در این نوع دیپلماسی از منطق خطی تبعیت می‌کردند که بیانگر تغییر در علت برای کنترل و مدیریت معلول است.

اما در دیپلماسی نوین از آنجا که بازیگران متکثر

منابع فارسی

- آشنا، ح. و جعفری هفت‌خوانی، ن. (۱۳۸۶). دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی: پیوندها و اهداف. دانش سیاسی، ۳(۵)، ۲۰۵-۱۷۹.
- الرشیده، ه. (۱۳۸۵). دیپلماسی اقتصادی. ترجمه عباسی، م. *فصلنامه فرهنگ‌اندیشه*، ۵(۱۹)، ۱۴۳-۱۳۵.
- سریع‌القلم، م. (۱۳۸۴). *ایران و جهانی شدن چالشها و راه‌حلا*. تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- رفیع، ح. و نیک‌روش، م. (۱۳۹۲). دیپلماسی عمومی و قدرت نرم با تأکید بر قدرت نرم ایران در عراق. *مطالعات روابط بین‌الملل*، ۶(۲۲)، ۱۳۲-۹۹.
- محسن‌زادگان، ا. و حسینی‌کرانی، ر. (۱۳۹۰). تأثیر دیپلماسی بر قدرت ملی ایران در عرصه جهانی. *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۲(۳)، ۵۰-۱۳۱.
- وحیدی، م. ر. (۱۳۸۶). فراتکنولوژی و تحول مفهوم قدرت در روابط بین‌الملل. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۱۰(۳۸)، ۶۹۷-۷۲۴.

References

- Al Rashid, H. (2006). Economic diplomacy [M. Ab-basi, Persian Trans]. *Farhange Andishe*, 5(19), 135-143. <http://ensani.ir/file/download/article/20120514092602-7057-37.pdf>
- Annan, K. (1998). *The politics of globalization*. Massachusetts: Harvard University.
- Ashna, H., & Jafari Haft Khani, N. (2007). [Public diplomacy and foreign policy; links and objectives (Persian)]. *Political Knowledge*, 3(5), 179-205. <https://www.sid.ir/en/journal/ViewPaper.aspx?ID=117349>
- Betsill M. M. & Corell, E. (2007). *NGO diplomacy: The influence of nongovernmental organizations in international environmental negotiations*. Massachusetts: The MIT Press. [DOI:10.7551/mitpress/7512.001.0001]
- Wandycz, P. S. (2003). *Ideology, politics and diplomacy in East Central Europe*. New York: University of Rochester Press. https://www.google.com/books/edition/Ideology_Politics_and_Diplomacy_in_East/fhK5QebocBkC?hl=en&gbpv=0
- Bound, K., Briggs, R., Holden, J., & Jones, S. (2007). *Cultural diplomacy*. London: Demos. https://www.demos.co.uk/files/Cultural_diplomacy_-_web.pdf
- Conštas D., & Platias A. (1993). Diasporas in world politics: An introduction. In D.C. Conštas, & A.G. Platias (Eds.), *Diasporas in world politics* (pp. 3-28). London: Palgrave Macmillan. [DOI:10.1007/978-1-349-12706-1_1]
- Davidann, J. T. (2007). *Cultural diplomacy in U.S.-Japanese relations, 1919-1941*. New York: Palgrave Macmillan. [DOI:10.1057/9780230609730]
- Dobson, A. P. (1995). *Anglo-American relations in the twentieth century: Of friendship, conflict and the rise and decline of superpowers*. Oxfordshire: Routledge. https://www.google.com/books/edition/Anglo_American_Relations_in_the_Twentieth/Sza07vOfR8C?hl=en&gbpv=0
- Einbinder, M. (2013). *Cultural Diplomacy Harmonizing International Relations through Music* [MA thesis]. New York: Gallatin School of Individualized Studies New York University. http://www.culturaldiplomacy.org/pdf/case-studies/Cultural_Diplomacy_Harmonizing_International_Relations_through_Music_-_Mary_Einbinder.pdf
- Evans, G., & Grant, B. (1995). *Australia's foreign relations: In the world of the 1990s*. Melbourne: Melbourne University Press. https://www.google.com/books/edition/Australia_s_Foreign_Relations/uqu7QgAACAAJ?hl=en
- Leguey-Feilleux, J. R. (2017). Global governance diplomacy: The critical role of diplomacy in addressing global problems. *Maryland: Rowman & Littlefield*. https://www.google.com/books/edition/Global_Governance_Diplomacy/BXFCvgAACAAJ?hl=en
- Leguey-Feilleux, J. R. (2009). *The dynamics of diplomacy*. London: Lynn Rienner Publisher. https://www.google.com/books/edition/The_Dynamics_of_Diplomacy/8s-FONQAACAAJ?hl=en
- Fine, E. (2012). International relations in a changing world: A new diplomacy? *Journal of International Affairs*, 5(2), 1-8. <http://sam.gov.tr/pdf/perceptions/Volume-V/june-august-2000/Edward-Finn.pdf>
- Jönsson, C., & Hall, M. (2005). *Essence of diplomacy*. London: Palgrave Macmillan UK. https://www.google.com/books/edition/Essence_of_Diplomacy/6fXM-CwAAQBAJ?hl=en&gbpv=0
- Henricson, A. K. (2000). Ten types of small state diplomacy. Massachusetts: The Fletcher School of Law and Diplomacy, Tufts University. https://is.muni.cz/el/1423/podzim2008/MVZ157/um/TEN_TYPES_OF_SMALL_STATE_DIPLOMACY.pdf
- Hocking, B., & Melissen, J. (2015). *Diplomacy in the digital age*. Netherlands: Institute of International Relations. https://www.clingendael.org/sites/default/files/2016-02/Digital_Diplomacy_in_the_Digital%20Age_Clingendael_July2015.pdf
- Hocking, B., Melissen, J., Riordan, S., & Sharp, P. (2012). *Futures for diplomacy: Integrative diplomacy in the 21st century*. Netherlands: Institute of International Relations Clingendael. https://www.clingendael.org/sites/default/files/2016-02/20121030_research_melissen.pdf
- Badie, B. (2011). *International encyclopaedia of political science*. New York: SAGE Publications. https://www.google.com/books/edition/International_Encyclopedia_of_Political/t0JZp-jrotQC?hl=en&gbpv=0
- Lohmann, S. (2017). Understanding diplomacy in the 21st century. *Stiftung Wissenschaft und Politik (SWP)*, 11, 1-12. https://www.swp-berlin.org/publications/products/arbeitspapiere/WP_Diplomacy21_No11_Sascha_Lohmann_01.pdf

- Mark, S. (2008). A Comparative study of the cultural diplomacy of Canada, New Zealand and India [PhD dissertation]. Auckland: University of Auckland. <https://researchspace.auckland.ac.nz/bitstream/handle/2292/2943/02whole.pdf>
- Melissen, J. (2005). *The new public diplomacy soft power in international relations*. London: Palgrave Macmillan. pmlomy.org/academy/pdf/research/books/soft_power/The_New_Public_Diplomacy.pdf
- Mohsen Zadegan, A. M., & Hosseini, S. R. (2011). [The effect of diplomacy over Iranian national power in global area (Persian)]. *Journal Strategic of Publi Policy*, 2(3), 131-150. http://sspp.iranjournals.ir/article_920.html?lang=en
- Newnham, R. (2002). *Deutsche mark diplomacy: Positive economic sanctions in German-Russian relations*. Pennsylvania: Penn State University Press. [DOI:10.1515/9780271031323]
- Njiru, J. K. (2016). The role of cultural diplomacy as a tool for advancing African foreign relations: A case study of Kenya [PhD dissertation]. Nairobi: University of Nairobi. <http://erepository.uonbi.ac.ke/handle/11295/99850>
- Pajtinka, E. (2014). Cultural diplomacy in theory and practice of contemporary international relations. *Politické vedy*, 17(4), 95-108.
- Rafiei, H., & Nikravesh, M. (2013). [Public diplomacy and soft power with an emphasis on Iran's soft power in Iraq (Persian)]. *Studies of International Relations Journal (Political Science and International Relations Journal)*, 6(22), 99-132. <https://www.sid.ir/en/journal/ViewPaper.aspx?ID=382035>
- Rosecrance, R. N. (1986). *The rise of the trading state: Commerce and conquest in the modern world*. New York: Basic Books. https://www.google.com/books/edition/Rise_Of_The_Trading/y4W2AAAAIAAJ?hl=en
- Sanders, R. (1989). The relevance and function of diplomacy in international politics for small caribbean states. *The Commonwealth Journal of International Affairs*, 78(312), 413-24. [DOI:10.1080/00358538908453951]
- Seib, P. (2009). *Toward a new public diplomacy redirecting U.S. foreign policy*. London: Palgrave Macmillan. https://www.google.com/books/edition/Toward_a_New_Public_Diplomacy/l5K_AAAAQBAJ?hl=en&gbpv=0
- Simpson, S., & Boichel, M. R. (1987). *Education in diplomacy: An instructional guide*. Maryland: University Press of America. https://www.google.com/books/edition/Education_in_Diplomacy/MR25AAAAIAAJ?hl=en
- Susskind, L. E., & Ali, S. H. (2015). *Environmental diplomacy: Negotiating more effective global agreements*. New York: Oxford University Press. https://www.google.com/books/edition/Environmental_Diplomacy/cNmSBAAAQBAJ?hl=en&gbpv=0
- Trent, D. L. (2012). *American diaspora diplomacy: U.S. foreign policy and Lebanese Americans*. Netherlands: Netherlands Institute of International Relations. https://www.clingendael.org/sites/default/files/pdfs/20121206_discussionpaperindiplomacy_125_trent_beveiligd.pdf
- Sariol Ghalam, M. (2005). [Iran and Globalization: Challenges and Solutions (Persian)]. Tehran: Expediency Discernment Council. http://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=758785&pageStatus=1&sortKey=Value1=sortkey_title&sortKey=Value2=sortkey_author#
- Trunkos, J. (2011). *Changing diplomacy demands new type of diplomats*. Paper presented at The Institute of Cultural Diplomacy's International Conference. The Future of US Foreign Policy and "The Revival of Soft Power and Cultural Diplomacy, Washington DC, US, 4-6 January 2011. http://www.culturaldiplomacy.org/europeanamerican-relationship/content/articles/events/2010foufp/participant-papers/Changing_Diplomacy_Demands_New_Type_of_Diplomats.pdf
- Vahidi, M. A. (2008). [International systems based on single power: Unipolarism, hegemony and empire (Persian)]. *Strategic Studies Quarterly*, 10(38), 697-724. http://quarterly.risstudies.org/article_1051.html?lang=en
- Wihlborg, E., & Norstedt, A. (2017). *New ways and actors when diplomacy goes digital: The e-Diplomacy Campaign "Midwives4All*. Paper presented at The 50th Hawaii International Conference on System Sciences, Honolulu, Hawaii, 4-7 January 2017. <https://aisel.aisnet.org/cgi/viewcontent.cgi?article=1313&context=hicss-50>